

بررسی اشعار سعدی و امیر خسرو دهلوی در دیوان جهان‌ملک خاتون

و معرفی اشعار نویافته او

محسن شریفی صحی

دکتر در زبان و ادب فارسی

چکیده

دلیل ثبت یکسان شعری یا اشعاری در دیوان دو شاعر، عموماً یا خطای کاتبان یا رونویسی یک شاعر از دیگری است. مصادیق این دو، در دیوان جهان‌ملک خاتون وجود دارد. ۲۱ رباعی مشترک با سعدی در دیوان جهان موجود است که ارتباطی با بحث تتبعات یا سرقات ندارد و دخالت مالک دست‌نویس ش ۷۶۳ پاریس و اهمال مصححان دیوان چاپی جهان، عامل این خلط اشعار بوده‌اند.

از سوی دیگر، جهان‌ملک خاتون شاعری مقلد است و همان‌طور که از انوری، سعدی، خواجه، سلمان ساوجی، حافظ، جلال‌عزض و دیگران مصاریع و ابیاتی را در شعر خویش -عموماً بی‌یادکرد نام ایشان که شرط اصلی تضمین است- ذکر کرده، به اشعار خسرو دهلوی نیز علاقه‌ای وافر داشته است. چنان‌که از تتبعات وی از خسرو برمی‌آید، تقلید از این شاعر در اشعار جهان مشهود است؛ اما علاوه بر امر تتبع، تقلید و استقبال از شعر خسرو که در بسیاری از اشعار جهان قابل مشاهده است، ۱۵ غزل از خسرو نیز عیناً در جمع اشعار جهان‌ملک مشاهده می‌گردد که ظناً سرقت ادبی و رونویسی این اشعار می‌رود.

همچنین، در این جستار، اشعار و ابیاتی تازه از جهان (بیش از ۱۱۰ شعر در غزل و رباعی) که در نسخه‌های اساس مصححان نبوده و در نسخه‌های چاپی دیوان وی نیز به ثبت نرسیده، معرفی خواهد شد.

کلیدواژگان: جهان‌ملک خاتون، امیر خسرو دهلوی، سعدی، سرقت ادبی، اشعار نویافته.

تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

E-mail: Mohsen.sharifi66@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: شریفی صحی، محسن، (۱۳۹۹). بررسی اشعار سعدی و امیر خسرو دهلوی در دیوان جهان‌ملک خاتون و معرفی اشعار نویافته او، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز،

10.22034/perlit.2021.44016.2997

مقدمه

چند نسخه دست‌نویس از اشعار جهان‌ملک خاتون در دسترس محققان بوده و اولین بار سعید نفیسی ادعای چاپ دیوان جهان را با بهره‌مندی از سه نسخه داشته است؛ چنان‌که در مقاله «حافظ و جهان‌ملک خاتون» گفته: «من در نظر دارم دیوان این شاعر زبردست را که در قرن هفتم [صح: هشتم] می‌زیسته... پس از مقابله این سه مجموعه و آنچه از اشعار وی در سفینه‌ها یافته‌ام چاپ کنم» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۱۱). نسخ مورد اشاره وی به شرح زیر است:

۱- نسخه ش ۷۶۳ کتاب‌خانه ملی پاریس،

۲- نسخه ش ۱۱۰۲ کتاب‌خانه ملی پاریس،

۳- گزیده‌ای متأخر از اشعار جهان که در اختیار ادوارد براون بوده است.^۱

این سخن نفیسی مربوط به اواسط دهه ۴۰ شمسی است؛ چنان‌که همسر وی، پریمرز نفیسی درباره نسخه ش ۷۶۳ پاریس نقل کرده که: «در سال‌های ۱۹۶۶ و ۶۷ مسیحی که شادروان نفیسی در پاریس اقامت داشت به خصوصیات یک نسخه خطی فارسی ارزنده [یعنی دست‌نویس ش ۷۶۳] که در کتاب‌خانه ملی پاریس است پی برده بود و اغلب با مستشرق و ایران‌شناس بزرگ فرانسوی پروفیسور هانری ماسه درباره نوشته‌جات و ریزه‌کاری‌های آن با یکدیگر تبادل نظر می‌کردند» (نفیسی، ۱۳۵۱: ۱۳۷).

اما سعید نفیسی در عمر بابرکت خویش مجال تصحیح و چاپ اشعار جهان را پیدا نکرد؛ پس از وی پروین دولت‌آبادی در سودای تصحیح و چاپ اشعار جهان، نسخ سه‌گانه را که با کمک خانواده نفیسی به دست آورده بود، مورد تحقیق و بررسی قرار داد و در مقاله‌ای به معرفی دقیق این نسخ پرداخت و نمونه‌ای از اشعار جهان را نیز به همراه تبعات وی از حافظ و سعدی ذکر کرد (رک دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴۱۷)؛ اما بخت با او نیز همراه نبود و پیش از چاپ دیوان جهان، درگذشت.

در نهایت این دیوان در سال ۱۳۷۴ با تصحیح نه‌چندان دل‌چسب پوراندخت کاشانی راد و کامل احمدپور که حتی فهرست اشعار ندارد، به چاپ رسید. مصححان نسخه ش ۷۶۳ پاریس را اساس کار خویش قرار دادند؛ اما نشانی از جنگ‌ها و مجموعه‌های شعری، به‌ویژه نسخه ش ۱۱۰۲ پاریس که دولت‌آبادی به‌دقت آن را معرفی کرده و اشعاری از آن نیز نقل کرده بود، در تصحیح ایشان نیست. برخی از اشعار نقل‌شده از این دست‌نویس که در مقاله دولت‌آبادی آمده، در چاپ دیوان جهان مشاهده نمی‌شود که برخی از آن‌ها را جواد بشری در مقاله‌ای که نویافته‌های شعر جهان را

نشان داده، آمده است. چنان که غزل‌های: بگذشت بتا درد من از حد نهایت... / تا چند چنین بی دل و بی یار توان گشت... و: دیدی که دگر مردمک دیده چها کرد... را دولت آبادی در نسخه ش ۱۱۰۲ دیده و در مقاله خویش آورده، اما مورد اعتنای مصححان دیوان چاپی جهان واقع نگشته است (رک. دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴۳۸ و ۴۳۹). چند سال بعد، این اشعار را بشری به همراه چندین غزل دیگر در قالب مقاله‌ای معرفی نموده است (رک. بشری، ۱۳۸۸).

۲۱ رباعی مشترک جهان‌ملک خاتون و سعدی (خطای مصححان و مالک نسخه)

در دیوان چاپی جهان‌ملک خاتون، تعداد ۲۱ رباعی به ثبت رسیده است که در دیوان سعدی، هم‌شهری وی، نیز به چشم می‌خورد. از قرائن نسخه‌شناسی چنین برمی‌آید که انتساب آن‌ها به سعدی قطعی است. این رباعیات در دواوین قدیم سعدی موجود است؛ از جمله نسخه مورخ ۷۳۴ق کتاب‌خانه‌چسترییتی که تمام رباعیات را در خود جای داده است؛ رباعی دوم نیز در نسخه مورخ ۷۲۱ق مجلس مشاهده می‌شود؛ مطالع رباعیات موردنظر به شرح زیر است:

- ۱- عشاق به درگهت اسیرند بیا
بدخویی تو بر تو نگیرند بیا
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۱۹؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۵۱۹؛ سعدی، ۷۳۴ق: حاشیه ۳۱۸آ)
- ۲- تدبیر و صواب از دل خوش باید جست
سرمایه عافیت کفاف است نخست
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۲۰؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۸۷۹؛ سعدی، ۷۲۱ق ش ۲۵۶۹: ۴۱۵؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷ب)
- ۳- تا یک سر موی از تو هستی باقی است
اندیشه کار بت پرستی باقی است
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۲۴؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۸۷۹؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آ)
- ۴- کس عهد وفا چنان که پروانه خرد
با دوست به پایان نشنیدیم که برد
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۲۸؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹۲؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آ)
- ۵- آن دوست که آرام دل ما باشد
گویند که زشت است بهل تا باشد
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۳۰؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹۳؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۳آ)
- ۶- من دوش قضا یار و قدر پشتم بود
نارنج زنخدان تو در مشتم بود
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۳۲؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹۷؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶ب)
- ۷- گر لایق خدمتم ندانی بر خویش
تا بندگیت کنم به جان و سر خویش
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۳۷؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹۹؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶ب)

- ۸- خورشیدرخا من به کمند تو درم گر سیم و زرم خواهی و گر جان و سرم
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۲۴؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۰؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آب)
- ۹- شب‌های دراز بیشتر بیدارم نزدیک سحر روی به بالین آرم
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۴۱؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۰؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۵آب)
- ۱۰- آن دوست که دیدنش بیاراید چشم بی دیدنش از گریه نیاساید چشم
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۴۳؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۰؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آب)
- ۱۱- گفتم که دگر چشم به دلبر نکنم صوفی شوم و گوش به منکر نکنم
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۴۵؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۱؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۳آب)
- ۱۲- می‌آیی و لطف و کرمت می‌بینم آسایش جان در قدمت می‌بینم
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۴۵؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۲؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۱۳- با زنده دلان نشین و صاحب‌نفسان حق دشمن خود مکن به آزار کسان
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۴۷؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۸۸۴؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۱۴- ای بی رخ تو چو لاله‌زارم دیده گرینده چو ابر نوبهارم دیده
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۱؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۴؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آب)
- ۱۵- روزی دو سه شد که بنده نخواست‌ای اندیشه به ذکر وی نپرداخت‌ای
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۳؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۸۸۴؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۷آب)
- ۱۶- از بس که بیازرد دل دشمن و دوست گویی به گناه مسخ کردندش پوست
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۲۳؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۶۹۱؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۱۷- ای مایه درمان نفسی ننشینی تا صورت حال دردمندان بینی
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۶؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۶؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۱۸- هر روز به شیوه‌ای و لطف دگری چندان که نظر می‌کنمت خوب‌تری
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۴؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۵؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۱۹- گویند که دوش شحنگان تتری دزدی بگرفتند به صد حيله گری
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۴؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۸۸۵؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)
- ۲۰- ماها همه شیرینی و لطف و نمکی نه ماه زمین که آفتاب فلکی
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۵؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۵؛ سعدی، ۷۳۴ق: ۳۲۶آب)

۲۱- کردیم بسی جام لبالب خالی تا بود که نهیم لب بر آن لب حالی
(جهان‌ملک خاتون، ۱۳۷۴: ۵۵۵؛ سعدی، ۱۳۸۰: ۷۰۵؛ سعدی، ۱۳۳۴ق: ۳۲۵ب)
در مواقع این‌چنینی که ثبت یکسان شعری یا اشعاری در دیوان دو شاعر را شاهدیم، دو احتمال وجود دارد:

- ۱- خطای کاتبان که شعر شاعری را خواسته یا ناخواسته وارد دیوان شاعر دیگر می‌کنند.
- ۲- سرقت و رونویسی شاعری از شاعر دیگر.

با عنایت به قرائن نسخه‌شناسی می‌دانیم که رباعیات بالا از سعدی است و به نحوی وارد دیوان جهان شده است؛ زیرا اگر تولد جهان‌ملک را بعد از سال ۷۲۶ق بدانیم، که مسعود اینجو (پدر جهان) متصدی فارس و عراق شد و امیر غیاث‌الدین وزیر دختر خود را به زنی به وی داد (نظری، ۱۳۸۳: ۱۴۲) آن‌گاه با وجود اشعار مذکور در نسخه مورخ ۷۳۴ق دیوان سعدی، شک و شبهه‌ای در عدم انتساب این اشعار به جهان باقی نخواهد ماند.

با آنچه در پی خواهد آمد مشخص خواهد شد که این یکسانی، ریشه در خطای مصححان دیوان جهان‌ملک خاتون دارد که به شکلی مبتدیانه و با بی‌دقتی، تعداد ۲۱ رباعی از سعدی را وارد دیوان جهان کرده‌اند. این رباعیات، در اصل در نسخه ش ۷۶۳ پاریس که دست‌نویس اساس مصححان دیوان جهان‌ملک خاتون بوده، موجود نیست؛ لیکن یکی از صاحبان بی‌ذوق این دست‌نویس، ۲۲ رباعی از سعدی را در جاهای خالی این نسخه نفیس و به دنبال اشعار جهان (ذیل «و له») افزوده و مصححان نیز بی‌آنکه متوجه تمایز فاحش دو خط متفاوت در کتابت اشعار بشوند، رباعیات موردنظر را (به جز رباعی: مجنون اگر احتمال لیلی نکند...) وارد چاپ دیوان جهان کرده‌اند؛ چنان‌که در زیر معلوم است:



(جهان ملک خاتون ش ۲: برگ ۳۰۸)

اشتباه فاحش دیگری نیز در این تصحیح وجود دارد؛ در بخش مقطعات نسخه ش ۷۶۳، ۱۴ قطعه موجود است؛ در حالی که مصححان، ۱۲ قطعه را در دیوان چاپی جهان منتشر کرده‌اند. دو قطعه‌ای که به مصححان، رخ نشان نداده، به شرح زیر است:

به عقل گفتم اگر فرصتم مجال ببخشد
نثار روضه کنم جان به بزم خسرو ایران

جواب داد که این مختصر چگونه توان بود
چه وقع پای ملخ را به بارگاه سلیمان

وله

این چنین محبوس و مجروح از جفای روزگار
تا به کی باشم به دست نوکران شرم‌زن

بلبلی ناکرده بی جرمی اسیر خار هجر
شرمش از کس می نیاید آخر این بی شرم زن

(جهان ملک خاتون ش ۲: برگ ۳۰۴ و ۳۰۵).

همین قطعات در نسخه ۱۱۰۲ نیز مشاهده می شود (برگ ۵۲ و ۵۳).

اما غفلت مصححان به همین نکات گفته شده ختم نمی‌شود؛ از ایشان در نقل اشعار جهان، اشتباه بزرگ دیگری نیز سر زده است که باعث شده مخاطبان دیوان وی لطف سخن او در بخش رباعیات را درک نکنند؛ زیرا مصححان دریافته‌اند که جهان در سرایش رباعیات خویش، فهرست‌بندی و تبویب موضوعی-واژگانی را لحاظ کرده است؛ یعنی مثلاً ۲۰ رباعی را با التزام به مضمون یا واژه‌ای خاص سروده است بدون اینکه به لحاظ قافیه ارتباطی با هم داشته باشند؛ بلکه ارتباط آنها در به‌کارگیری همان واژه خاص یا موضوع خاص در چند رباعی متوالی است؛ چنان‌که این نوع تقسیم‌بندی در مونس‌الاحرار نیز مشاهده می‌شود و جاجرمی رباعیاتی که دارای موضوعات خاص هستند چون وصف شراب، گل، شمع، قد معشوق، دل، خال و... را به شکل متوالی و در بابتی مجزا از رباعیات دیگر جمع‌آوری کرده است (جاجرمی، ۱۳۳۷، ج ۲: ۸۴۲-۱۰۲۴). مصححان بابتی توجهی به این موضوع مهم، با به‌هم‌ریختن نظم طبیعی رباعیات و چینش آنها بر اساس حروف الفبا، شعر جهان را تباه ساخته‌اند. مثلاً ۳۸ رباعی را در حمد و ثنای الهی و ۶۲ رباعی را با به‌کارگیری واژه «گل» و نزدیک به ۱۷۰ رباعی را (در دو موضع) با التزام واژه «دل» سروده است و تمام این رباعیات را به شکل متوالی در دیوان دست‌نویس خویش ثبت کرده است. درحالی‌که این رباعیات در نسخه چاپی به دلیل ترتیب الفبایی از هم دور افتاده‌اند و ارتباطی میان آنها مشاهده نخواهد شد.

دل بس کند دوست تا سردا ما سر و جگر با منت و بالایی نودند	با آنکه تم شعیب در سردا از رنگ در دوست در سردا
از کله خزان جو برون سر مای افا ده کن بکار من از سر لطف	دگر ختم از آن دم مگر بزدا با سدر کن ز کار من بکشای
دزلف بک حسنه دلی بسته دست شاهی جسطاس با تو محو ام کم دم	زان سن دل سر و جهان بسته دست ان کس از غم در حلسه دست
با کی دم از سر تو بر خون باشد مشا و بصلت من در از من تو طول	ورغانه احیار پرون باشد و این برسم از ظالم و ارون باشد

(جهان‌ملک خاتون ش ۲: برگ ۳۱۵)

اشعار و ابیات جدید و نویافته از جهان‌ملک خاتون

یادآوری دو نکته حائز اهمیت است؛ چنان‌که پیش‌تر گفتم، بشری، غزلیاتی از جهان را با بهره‌مندی از چند جنگ شعری، معرفی کرده که در دیوان چاپی جهان وجود ندارد؛ اغلب این غزلیات، در نسخه ۱۱۰۲ نیز موجود است. اخیراً نیز چند شعر از جهان، در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف معرفی شده است (رک. شاهمرادی و دیگران: ۱۳۹۹). طبق آنچه در بخش اول مقاله آمد، مصححان، دو قطعه از مقطعات جهان را در نسخه ۷۶۳ پاریس ندیده و منتشر نکرده‌اند. نگارنده، این دو شعر را، با عنایت به بحث‌های مربوط به اشکالات تصحیح مصححان، در همان بخش اول، آورده است. اما با بررسی نسخه ش ۱۱۰۲ پاریس و جنگ ش ۱۴۲۵ پاریس (متعلق به سده نهم هجری) معلوم می‌شود که همچنان اشعاری منسوب به جهان، منتشر نشده و کسی به معرفی آنها نپرداخته است. این اشعار به شرح زیر است:

۱- برگ ۷ غزلی ۵بیتی بدون تخلص:

آن کمان ابرو که تیر غمزه بر جان می‌زند چشم شوخش بر دلم ناوک ز مژگان می‌زند

۲- برگ ۷ غزلی ۸بیتی بدون تخلص:

ای کرده مرا ز دل فراموش آورده کسی دگر در آغوش

شبهه به مطلع بالا، در دیوان جهان به چشم می‌خورد و نسبت آن را به جهان تقویت می‌کند:

چرا کردی مرا از دل فراموش گرفتی دیگری جز من در آغوش

(جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۳۰۶)

غزل مذکور، در جنگ ش ۳۴۳۲ کتاب‌خانه اسعد افندی نیز، به نام جهان آمده است (۸۲۱ق، ۱۶۲).

۳- برگ ۲۸ غزلی ۷بیتی با تخلص:

نصیب دشمنم بادا چنان عید نپندارم چنین عیدی که کس دید

۴- برگ ۳۱ غزلی ۱۰بیتی با تخلص:

به جان آمد دلم از جور دلدار غمم افزون شد از اندوه غمخوار

۵- برگ ۳۹ غزلی ۷بیتی با تخلص:

جانا تو دوش همدم و یار که بوده‌ای تا وقت صبحدم به کنار که بوده‌ای

دو بیت اول از این غزل در جنگ ش ۱۴۲۵ پاریس آمده است و فرانسیس ریشارد، آن را رباعی دانسته است! (ریشارد، ۱۳۷۲: ۵۵).

در این جنگ ارزشمند، اشعاری از شاعران مختلف تا سده نهم آمده است و ریشارد، اشعار جهان‌ملک را تشخیص نداده و به دلیل ثبت آن در کنار اشعار سلمان ساوجی و نیز شباهت اشعار این دو به همدیگر، تمام اشعار را از سلمان دانسته است. در این مجموعه، نه غزل از جهان موجود است که برخی ناقص‌اند؛ یک رباعی آن نیز جدید است و در دیوان چاپی موجود نیست (رک. نسخه ش ۱۴۲۵: ۱۴۸آ)

۶- برگ ۴۴ غزلی ۹بیتی با تخلص:

ای صبا حال من دلشده با یار بگو شور این بلبل شوریده به گلزار بگو

دو غزل شبیه به غزل بالا، در دیوان جهان مشاهده می‌شود؛ چنان‌که نسبت این سه غزل با هم بسیار بدیهی است (رک. جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۴۳۹).

۷- برگ ۴۸ غزلی ۹بیتی با تخلص:

دلبرم بی‌وفاست چتوان کرد میل او بر جفاست چتوان کرد

این غزل در بخش اشعار مشترک جهان و خسرو بررسی و معلوم شد که متعلق به خسرو دهلوی است (رک. ش ۱۵).

۸- برگ ۲۸ و ۲۹ غزلی با ۵ بیت که در جنگ ش ۱۴۲۵ با ۶ بیت، همراه با تخلص به ثبت رسیده است:

در عالم لطافت چون یار ما نباشد آشفته کار و باری چون کار ما نباشد

همچنین، غزلیاتی منتشرشده از اشعار جهان موجود است که در دست‌نویس ۱۱۰۲، ابیاتی افزون‌تر دارند:

۱. غزل نه‌بیتی: بگذشت بتا درد من از حد نهایت... (بشری، ۱۳۸۸: ۷۴۸) در این نسخه، بیتی افزون دارد (جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۱۲).

۲. غزل شش‌بیتی: مکن که کس نکند بر کسی جفا چندین... (بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۷) نیز در این نسخه، بیتی افزون دارد (جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۱۷).

۳. غزل هشت‌بیتی: گفته‌ای نیست مرا جز غم تو کار دگر... (بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۴) در این نسخه، بیتی افزون دارد (جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۲۲).

۴. غزل پنج‌بیتی: ای دل غمگین مدار چشم وفا از جهان... (جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۴۱۰) در این نسخه، بیتی افزون دارد (جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۳۴).
۵. غزل هفت‌بیتی: همچون قلم نگارا چندم به سر دوانی... (جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۴۸۶) در این نسخه، دو بیت افزون دارد (جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۴۱ و ۴۲).
- در جنگ مهدوی، مورخ ۸۲۱ق، تعداد ۷ غزل و دو رباعی به نام جهان آمده که در ص ۴۷۰، در اثنای غزلی، بیتی تازه وجود دارد که در غزل مندرج در دیوان مشاهده نمی‌شود:
۶. غزل شش‌بیتی: دیده بگشادم و دل در سر زلفت بستم... (جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۳۳۹) در این نسخه، بیتی افزون دارد.

تنها اشکال نسخه ش ۷۶۳، افتادگی اوراق پایانی آن است که باعث شده رباعیات جهان، ناقص شود؛ این نقص تا حدودی در نسخه ش ۱۱۰۲، رفع شده است؛ دست‌نویسی ارزشمند که تصحیح اشعار جهان بدون بهره‌مندی از آن ابتر خواهد بود. به جز غزلیات و ابیات جدیدی که در بالا بدان اشاره شد، بخش رباعیات این دست‌نویس نیز بسیار حائز اهمیت است. چنان‌که از میان ۱۵۷ رباعی ثبت‌شده در این متن، فقط ۵۰ رباعی در جمع اشعار جهان‌ملک به ثبت رسیده و ۱۰۷ رباعی دیگر نویافته است (رک. برگ ۵۳ تا ۷۲).

به ذکر چند نمونه که انتساب آن با عنایت به ذکر نام جهان قطعی است، بسنده خواهیم کرد:

ای دل چو وفا نمی‌کند مال جهان	تا چند شوی شیفته حال جهان
ای بخت تو تا به چند خوناب خوری	بردار سر از خواب بین حال جهان

(جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۵۶)

و له:

عشق رخ دوست هوش و تابم ببرد	آمد به خیال من که خوابم ببرد
تا دور شدی از برم ای جان جهان	شب تا سحر از خیال خوابم نبرد

(همان: برگ ۵۸)

و له:

چون خال تو شد دلم ز اندیشه سیاه	تا کی نکنی بر من بیچاره نگاه
از زلف تو شوریده شده جان جهان	چون بر رخ زیبای تو آن زلف سیاه

(همان: برگ ۶۲)

وله:

خواهم گه و بیگاه ز معبود جهان
 وصلت که وصال تست بر بود جهان
 مقصود جهانی و جهان را شب دوش
 ایزد برسانید به مقصود جهان
 (همان: برگ ۶۴)

مضمون برخی از رباعیات جدید نیز دیوان چاپی مسبوق است؛ چنان که مصراع چهارم رباعی زیر:

گفتم که مگر با تو بر آرم نفسی
 جز عشق توام نبود در سر هوسی
 زین بیش مرا طاق هجر تو نماند
 فریاد رسم که نیست فریادرسی
 (همان: برگ ۵۸) در دو رباعی دیگر وی، عیناً تکرار شده است (رک. جهان ملک خاتون ش ۱: ۵۵۴).

یا رباعی زیر:

لعلت نمکی بر دل ریش افکنده
 بسیار دلی در پی خویش افکنده
 چشم تو چو نرگس است بیمار ز غم
 زلفت چو بنفشه سر به پیش افکنده
 (همان: برگ ۵۸)

که مصراع اول و مضمون کلی آن به سخنی دیگر، در دیوان چاپی موجود است:

لعلت نمکی در دل ریش افکنده
 فریاد به بیگانه و خویش افکنده
 چون چشم تو دید نرگس اندر بستان
 از خجالت و شرم طر به پیش افکنده
 (جهان ملک خاتون ش ۱: ۵۵۰).

یا این رباعی جدید:

در باغ بدیدم صنمی سیمین خد
 کز غایت حسن طعنه بر گل می زد
 گفتم بگذار تا ببوسم پایت
 گفتا نتوان ز دست هم صحبت بد
 (همان: برگ ۶۰) که قوافی و مضمون آن در رباعی دیگری از جهان، در دیوان ثبت شده است:

بربود دل از من صنمی سیمین خد
 زان روی که حسن اوست بیرون از حد
 رویش چو گل است در چمن می دارش
 در حفظ خود از بلای هم صحبت بد
 (جهان ملک خاتون ش ۱: ۵۲۷).

ذکر بیشتری رباعیات نویافته جهان، در این جستار نمی‌گنجد؛ اما برای کسانی که قصد تصحیح مجدد دیوان جهان‌ملک خاتون را داشته باشند، ذکر چند و چون غزلیات و رباعیات جدید، کفایت می‌کند.

۱۵ شعر مشترک در دیوان جهان‌ملک خاتون و خسرو دهلوی

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، دلیل ثبت یکسان شعر یا اشعار در دیوان دو شاعر، یا خطای کاتبان است یا رونویسی و سرقت ادبی باعث این امر شده است و رباعیات سعدی به دلیل خطای مالک نسخه‌ش ۷۶۳ و بی‌توجهی و غفلت مصححان دیوان چاپی جهان وارد دیوان وی شده بود؛ اما این یکسانی‌ها در دیوان جهان، فقط مربوط به قالب رباعی و شعر او و سعدی نیست؛ برخی از اشعار موجود در دیوان جهان‌ملک خاتون در دیوان شعر خسرو دهلوی نیز مشاهده می‌شود.

وجود اشعار خسرو در دواوین شاعران دیگر، سابقه دارد. به گمان نگارنده، هم خطای کاتبان و هم سرقت شاعران دیگر از اشعار خسرو، دلیل یکسانی برخی اشعار وی با شاعران دیگر است. درباره اشعار مشترک خسرو و شاعران دیگر، مقالاتی نوشته شده است؛ منصور، بیست‌وهفت غزل مشترک خسرو و شاعران دیگر را معرفی کرده است؛ بی‌آنکه به دلایل این امر بپردازد (منصوری، ۱۳۹۵: ۴۹-۲۵). شریفی صحی نیز در مقاله‌ای، به بررسی اشعار جلال و سرقات وی از خسرو پرداخته و با دلایلی، انتقال ۳۲ غزل خسرو را از جانب جلال عضد، اثبات کرده است (شریفی صحی، فاضلی، ۱۳۹۷: ۸۶-۶۳). اما در باب دلیل اشتراک اشعار خسرو و دیگران، دو فرضیه می‌توان مطرح کرد:

۱- دخالت و تقلب کاتبان

با اینکه چندین بار دیوان اشعار خسرو منتشر و تصحیح شده است، هنوز هم دیوانی منقح، سالم و کامل از اشعار او موجود نیست و این امر معلول اشعار بسیار زیاد شاعر است؛ «می‌گویند در بعضی مصنفات خود نوشته که اشعار من از پانصد هزار کمتر است و از چهارصد هزار زیاده [است]...» (دست‌نویس مجالس‌العشاق مجلس، ۹۸۹ق: برگ ۳۷؛ به نقل از شریفی صحی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۶۴).

تعداد بسیار زیاد اشعار خسرو و تقسیم‌بندی آن‌ها در دفاتر پنج‌گانه شعری بر مبنای ویژگی‌های سن و سال او نیز، کار جمع‌آوری آن را سخت‌تر کرده است. جمع کردن تمام اشعار خسرو، نه تنها در دوره بایسنغر، بلکه تا اکنون نیز ناممکن بوده است؛ «سلطان حسین بایسنغر خان سعی و جهد بسیار

نمود در جمع آوردن سخنان امیر خسرو و همانا یک‌صد و بیست هزار بیت جمع نموده و بعد از آن دوهزار بیت از غزلیات خسرو جایی یافته که در دیوان نبوده؛ دانسته است که جمع نمودن این اشعار امری متعذر الحصول و آرزویی متعسر الوصول است، ترک نموده است» (تذکره/الشعرا، ۱۳۸۲: ۲۴۰؛ به نقل از شریفی صحی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۶۴).

دو عامل اشعار زیاد و علاقه‌مندی و درخواست سلطان بایسنغر در جمع‌آوری دیوان خسرو، دلیل دخالت کتاب در اشعار خسرو دهلوی است. جلب رضایت سلطان ادب‌پرور و علاقه‌مند به اشعار خسرو، راه را برای تقلب کاتبان باز کرده بود. در زمان سلطان بایسنغر خان، از جمع‌آوری دیوان خسرو، منفعت مادی و معنوی نصیب کاتبان می‌شده است؛ لذا، بسیاری از دواوین خسرو، با حمایت بایسنغرمیرزا تدوین شده است و بعید نیست به همین دلیل، کاتبان با تقلب، اشعار دیگران را با تبدیل تخلص، به نام خسرو زده باشند.

«اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که قسمت اعظم اشعار خسرو، نه تمام آن، در اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ جمع‌آوری شده و عنایت به موارد پیش گفته مربوط به عهد بایسنغر و نسخ موجود گواه این امر است... مضاف بر اینکه به دلیل حجم بالای اشعار خسرو، هیچ‌کدام از نسخ دست‌نویس اشعار وی جامع دیوان وی نیست و موجود نبودن اشعار مورد نظر در نسخ قدیم که اغلب گزیده‌ای از اشعار خسرو را در بر دارد، چیزی از اصالت نسخ مذکور نخواهد کاست» (شریفی صحی، فاضلی، ۱۳۹۷: ۶۷).

عموماً دست‌نویس‌های زیر، در مقایسه با نسخ اوایل سده نهم، حاوی اشعار بیشتری از خسرو هستند:

نسخه مورخ ۸۸۰ق کتابخانه ملی (ش ۱۰۸۷۷۱۳)، نسخه مورخ ۸۹۴ق میثیگان (ش ش ۳۱۳ Isl. Ms)، نسخه مورخ ۸۹۵ق اسعد افندی (ش ۲۶۲۹)، نسخه مورخ ۸۸۵ق ایاصوفیا (ش ۴۲۱۲)، نسخه مورخ ۸۹۷ق رضوی (ش ۴۵۹۳)، نسخ کتابخانه نورعثمانیه مورخ ۸۸۹ق (ش ۳۸۱۹) و ۹۰۲ق (ش ۳۸۱۸)، نسخ کتابخانه فاتح با تواریخ ۸۹۰ق، ۹۰۰ق، ۹۰۲ق و ۹۰۶ق (ش ۳۸۱۸)، ش ۳۸۱۷، ش ۳۸۱۴ و ش ۳۸۱۲، نسخه مورخ ۹۰۳ق حکیم اوغلو (ش ۶۶۱) و نسخه مورخ ۹۱۲ق روسیه (ش ۱۶۸).

با تمام این اوصاف، ضمن تأکید بر اصالت نسخ در ثبت اشعار خسرو، باید اذعان نمود که برخی از اشعار موجود در این نسخ، متعلق به خسرو نیست؛ چنان‌که مثلاً دو غزل موجود در این نسخ، از

سلمان ساوجی است و منصوری در مقاله خود تنها این اشتراک را معرفی کرده و به چرایی آن نپرداخته است. این دو غزل، در اغلب نسخ قدیم سلمان، موجود است؛ مطلع این دو غزل به شرح زیر است:

- آنکه از جان دوست تر می‌دارمش گر مرا بگذاشت من نگذارمش
 - یارب این ماییم از آن جان و جهان افتاده دور سایه‌وار از آفتابی ناگهان افتاده دور
- این دو غزل در نسخه مورخ ۸۹۵ق خسرو (دهلوی ش ۵: ۲۸۵ و ۲۶۲) و برخی دست‌نویس‌های دیگر وی موجود است؛ ایضاً، در بهترین دست‌نویس‌های اشعار سلمان چون نسخه سده هشتم تبریز (ص ۴۹۴ و ۳۵۸)، نسخه مورخ ۷۹۴ق مجلس (ص ۶۰۰ و ۵۸۶)، نسخه مورخ ۸۰۴ق مرعشی (ص ۲۳۸ و ۲۳۳)، نسخه مورخ ۸۲۶ق رضوی (ص ۵۳۰ و ۵۲۱) و بسیاری از دواوین خطی دیگر سلمان نیز به نام وی است و هیچ قرینه‌ای که نشان‌دهنده سرقت ادبی سلمان از خسرو باشد وجود ندارد. به گمان نگارنده، این دو غزل، به این دلیل وارد دیوان خسرو شده‌اند که تبدیل تخلص سلمان به خسرو، به لحاظ وزنی ممکن بوده و این تغییر، زحمتی برای ایشان نداشته و خطای عامدانه کاتبان با انگیزه‌های گفته شده، این همسانی را رقم زده است.

۲- سرقت از اشعار خسرو

اما دلیل درج اشعار خسرو در دواوین شعرای دیگر، همواره، دخالت کاتبان نبوده است؛ پراکندگی اشعار خسرو، نه تنها باعث جلب توجه کاتبان و تقلب ایشان بوده، بلکه شاعران مقلد را نیز به رونویسی از اشعار این شاعر هندی واداشته است؛ یعنی فقط خطای عامدانه کاتبان موجب یکسانی اشعار مندرج در دیوان خسرو و شاعران دیگر نیست و برخی از اشعار مندرج در نسخ دیوان وی، مورد دست‌برد شاعران دیگر قرار گرفته است.

از جمله قرائنی که در بحث یکسان بودن اشعار خسرو و دیگران باید مورد توجه باشد، تأثیرپذیری و تتبع شعر خسرو از جانب شاعران دیگر است؛ در این موارد، شاعر سارق، با دیوان شعر خسرو آشناست و به طرق مختلف، از شعر خسرو بهره‌مند می‌شود؛ لذا کاتبان دخالتی ندارند و اشعار یکسان را می‌توان در مبحث سرقات ادبی بررسی کرد. چنان‌که تتبع همراه با سرقت ادبی اشعار خسرو، در دیوان جلال عضد، مشهود است؛ «یکسانی وزن، قافیه و ساختار شعر، بهره‌مندی از ترکیبات خاص و همچنین ذکر بی‌کم و کاست مصاریع و ابیات امیر خسرو، بی‌ذکر نام وی» و انتقال

۳۲ غزل از دیوان خسرو، حاصل سرقات ادبی جلال عضد از خسرو بوده است (شریفی صحی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۸۴).

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که خسرو از جمله شاعرانی بوده که دیگران به سرقت از اشعار وی متهم بوده‌اند. چنان‌که در مقاله شریفی صحی آمده: «اصیل‌ترین و قدیم‌ترین گزارش در باب سابقه سرقت از خسرو دهلوی در شعر کاتبی ترشیزی دیده می‌شود. حسن دهلوی و عصمت بخاری از جمله شاعرانی هستند که متهم به سرقت اشعار خسرو شده‌اند؛ کاتبی ضمن تعریفی که بر کمال خجندی داشته، به اعتقاد عموم مبنی بر سرقات حسن دهلوی از خسرو نیز اشاره کرده است:

گر حسن معنی ز خسرو برد نتوان عیب زانکه استاد است خسرو بلکه ز استادان زیاد کرد

ور معانی حسن را برد از دیوان کمال هیچ نتوان گفت او را دزد بر دزد او افتاد

طبق گزارشی دیگر از کاتبی که بنای آن بر قطعه‌ای ۲بیتی است، اعتراض وی بر شعر دزدی، دامن عصمت بخاری را نیز گرفته است:

میر خسرو را علیه الرحمه شب دیدم به گتمش عصمت تو را یک خوشه چین خرمن است خواب

شعر او چون است کز شعر تو رونق به گفت باکی نیست شعر او هم از شعر من گرفت «است»

(دیوان دست‌نویس مجلس ۸۵۰ق: برگ ۱۴۰ و ۱۴۴؛ صفا، ۱۳۷۳: ۱۹۹/۴ و ۲۰۰؛ به نقل از شریفی صحی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۶۴ و ۶۵).

برخی اشعار خسرو نیز با شاعرانی مشترک است که دیوان شعر ندارند و اشعار ایشان در مجموعه‌ها و جنگ‌های شعری پراکنده است؛ به همین دلیل، امکان بررسی اشعار دیگر ایشان و نسبت شاعری ایشان با خسرو وجود ندارد و نمی‌توان دلیل این همسانی شعر، بین دو شاعر را ارزیابی نمود؛ مانند دو غزلی که در مجموعه لطائف و سفینه ظرائف به نام امیرحسینی و ابن صفی آمده و هر دو غزل در دیوان خسرو نیز مشاهده می‌شود (سیف جام هروی، سده نهم: ۲۹۶ و ۳۱۲).

آنچه در زیر می‌آید، مطالع اشعار مشترکی است که در دیوان جهان و خسرو به شکل یکسان به ثبت رسیده است:

- (۱) کسی که شمع جمال تو در نظر دارد
 (۲) آخر این دردم به درمان کی رسد
 (۳) دل عاشق چرا شیدا نباشد
 (۴) ای بر دلم از فراق صد بار
 (۵) در فراقش رود خون از دیده می بارم هنوز
 هنوز
 (۶) آن مرغ که بود زیر کش نام
 (۷) بیا جانا که جانت را بمیرم
 (۸) من تو را دارم و جز لطف توأم نیست کسی
 (۹) بار عشقت بر دلم باری خوش است
 خوش است
 (۱۰) از تو بر خاطر مرا آزار نیست
 (۱۱) چون غم هجران او نداشت نهایت
 (۱۲) دولت نه به زور است به زاری چه توان کرد
 (۱۳) روزی مگر این بسته در ما بگشایند
 (۱۴) آخر نگاهی در حال ما کن
 (۱۵) دلبرم بی وفاست چتوان کرد
 ز آتش دل پروانه کی خبر دارد
 نوبت دیدار جانان کی رسد
 به عشق اندر جهان رسوا نباشد
 ناگشته به وصل شاد یک بار
 وان ز دلگرمی نگوید ترک آزارم
 افتاده به هر دو پای در دام
 وگر میرم به جان منت پذیرم
 در جهانم نبود غیر تو فریادرسی
 کار من عشق است و این کاری
 بی تو در ملک جهانم کار نیست
 عاقبت اندوه عشق کرد سرایت
 با بنده نداری سر یاری چه توان کرد
 وز لطف من گمشده را راه نمایند
 درد دلم را روزی دوا کن
 میل او بر جفاست چتوان کرد

شماره غزل	منابع نسبت شعر به جهان	منابع نسبت شعر به خسرو	تعداد ابیات جهان	تعداد ابیات خسرو
غزل/ قصیده ش ۱	ن چاپی: ۷ (نسخه پاریس ش ۷۶۳، اساس است)	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۲۳۶؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۲۴۱؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۴۴۳؛	۱۹	۷

		صلاح‌الدین ج ۲: ۸۵۶؛ درویش: ۲۹۲؛ روشن: ۴۲۳		
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۱۹۸؛ ن ملی مورخ ۸۸۰ق: ۲۱۵؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۲۰۰؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۳۶۸؛ صلاح‌الدین ج ۲: ۶۳۶؛ درویش: ۲۴۹؛ روشن: ۳۷۳	ن چاپی: ۱۹۰ و نسخه پاریس ش ۷۶۳؛ نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۹	غزل ش ۲
۷	۷	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۱۳۹؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۳۰۲؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۱۴۰؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۲۵۴؛ صلاح‌الدین: ۲۳۷؛ درویش: ۱۷۱؛ روشن: ۲۷۲	ن چاپی: ۲۰۶ و نسخه پاریس ش ۷۶۳؛ نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۲۹	غزل ش ۳
۸	۷	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۲۶۰؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۳۹۰؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۲۶۹؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۴۹۳؛ صلاح‌الدین ج ۳: ۱۳؛ درویش: ۳۲۶؛ روشن: ۴۸۵	ن چاپی: ۲۶۶ و نسخه پاریس ش ۷۶۳؛ نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۲۷	غزل ش ۴
۷	۷	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۲۷۲؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۲۸۰؛ ن	ن چاپی: ۲۹۲ و نسخه پاریس ش ۷۶۳	غزل ش ۵

		مرکزی ش ۳۶۵۳: ۵۱۴؛ صلاح‌الدین ج ۳: ۷۴؛ درویش: ۳۴۰؛ روشن: ۵۰۶		
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۳۱۵؛ ن میشیگان مورخ ۸۹۴ق: ۵۱۸؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۴۷۹؛ ن مرکزی ش ۸۴۹۶: ۳۵؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۳۲۶؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۶۰۱؛ صلاح‌الدین ج ۳: ۳۳۳؛ درویش: ۳۹۲؛ روشن: ۵۹۲	ن چاپی: ۳۲۷ و نسخه ش ۷۶۳ پاریس؛ نسخه ش ۱۱۰۲ پاریس: ۲۹	غزل ش ۶
۶	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۳۱۳؛ ن ملی مورخ ۸۸۰ق: ۴۸۶؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۴۸۵؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۳۲۵؛ صلاح‌الدین ج ۳: ۳۳۶؛ درویش: ۳۹۱؛ روشن: ۵۹۰	ن چاپی: ۳۵۹ و پاریس نسخه ش ۷۶۳؛ نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۲۶	غزل ش ۷
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۴۶۲؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۴۷۸؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۸۰۴؛ صلاح‌الدین ج ۴: ۳۹۰؛ درویش: ۵۵۳؛ روشن: ۸۷۳	ن چاپی: ۴۷۶ و نسخه پاریس ش ۷۶۳	غزل ش ۸

۸	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۶۹؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۴۷؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۶۸؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۱۲۴؛ صلاح‌الدین ج ۱: ۴۸۱ ۴۸۱؛ درویش: ۸۵؛ روشن: ۱۴۷	ن استانبول ش ۴۸۵، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۴۶.	غزل ش ۹
۱۲	۱۳	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۷۰؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۴۵؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۶۹؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۱۲۷؛ صلاح‌الدین ج ۱: ۴۹۰؛ درویش: ۸۷؛ روشن: ۱۴۹	نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۲۰؛ ن استانبول ش ۴۸۵، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۴۷.	غزل ش ۱۰
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۷۵؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۷۵؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۱۳۷؛ صلاح‌الدین ج ۱: ۵۲۹؛ درویش: ۹۵؛ روشن: ۱۵۷	نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۱۱؛ ن استانبول ش ۴۸۵، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۴۹.	غزل ش ۱۱
۷	۷	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۱۲۲؛ ن ملی مورخ ۸۸۰ق: ۲۱۸؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۳۵۲؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۱۲۲؛	ن استانبول ش ۴۸۵، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۰.	غزل ش ۱۲

		ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۲۲۳؛ صلاح‌الدین ج ۲: ۱۳۰؛ درویش: ۱۵۱؛ روشن: ۲۴۸		
۶	۵	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۱۲۷؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۱۲۷؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۲۳۱؛ صلاح‌الدین ج ۲: ۱۶۲؛ درویش: ۱۵۷؛ روشن: ۲۵۵	نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۲۵؛ ن استانبول ش ۴۸۵، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۳.	غزل ش ۱۳
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۳۹۹؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۵۷۱؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۴۱۲؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۷۱۵؛ صلاح‌الدین ج ۳: ۷۳۰؛ درویش: ۴۸۳؛ روشن: ۷۱۹	نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۴۹؛ سفینه انیس‌العارفین مورخ ۸۲۷ق: ۱۹۲؛ ن استانبول ش ۴۸۵ و مونس‌العشاق، به نقل از بشری، ۱۳۸۸: ۷۵۶.	غزل ش ۱۴
۹	۹	ن اسعد افندی مورخ ۸۹۵ق: ۲۵۴؛ ن رضوی مورخ ۸۹۷ق: ۳۰۳؛ ن روسیه مورخ ۹۱۲ق: ۲۶۱؛ ن مرکزی ش ۳۶۵۳: ۴۷۸؛ صلاح‌الدین ج ۲: ۹۸۳؛ درویش: ۳۱۷؛ روشن: ۴۵۱	نسخه پاریس ش ۱۱۰۲: ۴۸	غزل ش ۱۵

به زعم نگارنده، با شواهد و دلایلی که در پی خواهد آمد، اشعار مشترک در دیوان خسرو و جهان، ارتباطی با خطای کاتبان و ناسخان ندارد. در واقع تنها دخل و تصرفی که در نسخه اصلی دیوان جهان مشاهده می‌شود همان رباعیات کذایی سعدی است که پیش‌تر تکلیف آن معلوم شد.

طی بررسی ۱۵ شعر مشترک خسرو با جهان، تمامی این اشعار در نسخ چاپی هند و ایران آمده است؛ نیز تمام اشعار در نسخه دست‌نویس مورخ ۸۹۵ق کتاب‌خانه اسعد افندی و نسخه محفوظ در روسیه به تاریخ ۹۱۲ق موجود است؛ ۱۴ شعر در نسخه سده نهم و دهم کتاب‌خانه مرکزی به شماره ۳۶۵۳، ۹ شعر در نسخه مورخ ۸۹۷ق رضوی، ۳ شعر در نسخه مورخ ۸۸۰ق ملی، ۱ شعر در نسخه مورخ ۸۹۴ق میشیگان و ۱ شعر نیز در نسخه سده هشتم (ش ۸۴۹۶، کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران) قابل مشاهده است. برخی نسخ دیگر نیز حاوی این اشعار از خسرو بوده‌اند که ارجاع به تمام آنها، دلیلی ندارد. هدف، تذکار این نکته است که نسخ اواخر سده نهم و اوایل سده دهم، در انتساب اشعار مورد نظر به خسرو اجماع دارند. این اجماع، اصالت این اشعار و نسبت صحیح آن به خسرو دهلوی را تقویت خواهد کرد؛ به‌ویژه زمانی که با علم به تأثیرپذیری جهان از اشعار خسرو همراه باشد.

(۱) تأثیرپذیری غیرمعمول جهان از اشعار خسرو و ایجاد تغییرات شاعرانه (نه کاتبانه) در غزلیات وی

مهم‌ترین گام در اثبات سرقات ادبی جهان از خسرو، اثبات تأثیرپذیری جهان از شعر خسرو است؛ زیرا تأثیرپذیری جهان از خسرو محدود به ۱۵ شعر مشترک و رونویسی آنها نبوده است. اشعاری دیگر در دیوان جهان موجود است که استقبال، تضمین و تأثیرپذیری از خسرو را نشان می‌دهد و بیان‌گر این است که جهان با دیوان اشعار خسرو آشنایی داشته و به آن علاقه‌مند بوده است.

خسرو دهلوی از جمله شاعران اثرگذاری است که بسیاری از شاعران هم‌دوره و پسین خویش را به تتبع و استقبال از اشعار خود واداشته است و چنان‌که پیش‌تر گفته شده (ر. ک. شریفی صحنی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۶۴) نقص موجود در دواوین چاپی وی و کمیابی دست‌نویس‌ها و ناقص بودن عموم این متون، راه نقد و ارزیابی به سامان اشعار وی و پیروان شعر وی را سلب می‌کند. دست‌رسی جهان به دیوان اشعار خسرو و تبعات بسیار وی از این اشعار نیز، چنان‌که در ادامه خواهد آمد امری بدیهی است؛ بسیاری از اشعار جهان، در زمین شعر خسرو سروده شده است که از ذکر تمام آن‌ها خودداری

می‌کنم؛ به گمان نگارنده، نمونه‌های ذکر شده در زیر، به‌ویژه دو مثال اول، تأثیرپذیری غیرمعمول جهان از خسرو را تأیید خواهد کرد:

(۱) غزل زیر از سروده‌های خسرو دهلوی است:

به بالین غریبانت گذر نیست ز حال مستمندانت خبر نیست

(دهلوی ش ۲: ۹۵)

و غزل جهان با مطلع زیر، متأثر از وزن و قوافی آن سروده شده است:

شبنم تاریک و امید سحر نیست مرا جز لطفش امید دگر نیست

(جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۱۵).

نکته حائز اهمیت این است که جهان‌ملک، عیناً سه مصراع از این شعر را در غزل خویش جای داده است؛ دو مصراع مطلع خسرو یعنی: به بالین... و: ز حال مستمندانت... عیناً در مصارع ۸ و ۱۰ جهان دیده می‌شود:

چرا ای مونس دل‌های رنجور «به بالین غریبانت گذر نیست»

چرا ای آرزوی دردمندان «ز حال مستمندانت خبر نیست»

همچنین مصراع اول مطلع جهان: شبنم تاریک و...، رونویسی از بیتی دیگر از خسرو است:

اسیر هجر و نومید از وصالم «شبنم تاریک و امید سحر نیست»

این نوع بهره‌مندی از شعر شاعر دوم، با هیچ‌یک از موازین سرایش شعر، تتبع یا تضمین از دیگری هم‌خوانی و نسبتی ندارد و معلوم می‌کند که جهان، به شعر خسرو و دیوان اشعار وی، نظر و دست‌رسی داشته است و مصاربع و ابیات دلنشین وی را رونویسی می‌کرده است.

(۲) غزلی با مطلع زیر سروده خسرو دهلوی است:

تا غمزه خونریز تو قصد دل ما کرد بیچاره دلم را هدف تیر بلا کرد

(دهلوی ش ۲: ۲۴۹)

جهان نیز غزلی دارد با مطلع:

دیدنی که دگر مردمک دیده چها کرد نامردمیش بر من بیدل چه جفا کرد

(جهان‌ملک خاتون ش ۳: برگ ۸).

که از شعر خسرو متأثر است؛ مصراع دوم بیت مطلع از خسرو، یعنی: «بیچاره دلم را هدف تیر بلا کرد» به شکل زیر وارد شعر جهان شده است:

بر دامن دل خون من خسته جگر ریخت و آنگاه تنم را هدف تیر بلا کرد

بیت پنجم خسرو به شرح زیر است:

هرگز به جهان نیک ندیده است و نبیند آن کس که مرا دور چنین از تو جدا کرد

جهان، بیت بالا را با ایجاد تغییراتی در واژگان شعر خسرو سروده است؛ بهره‌مندی وی از مضمون

نفرین، قافیه «جدا» و واژگان مرتبط با آن، مشخص است:

کام دل از ایام میناد خدایا آن کس که مرا از تو به ناکام جدا کرد

(۳) خسرو گفته:

سر در خمار شب به کنار که بوده‌ای لب‌ها فگار همدم و یار که بوده‌ای

(دهلوی ش ۲: ۸۰۷)

جهان در غزلی که معنأ و لفظاً، در وزن و ردیف و قافیه از خسرو تأثیر گرفته، با جابه‌جا کردن

دو مصراع مطلع چنین سروده است:

جانا تو دوش همدم و یار که بوده‌ای تا وقت صبحدم به کنار که بوده‌ای

(جهان ملک خاتون ش ۳: برگ ۳۹).

(۴) خسرو غزلی با مطلع زیر دارد:

جان زحمت خود برد و به جانان نرسیدیم دل رخنه شد از درد و به درمان نرسیدیم

(دهلوی ش ۲: ۵۷۹)

جهان گفته:

در درد بمرسیم و به درمان نرسیدیم از سر بگذشتیم و به سامان نرسیدیم

(جهان ملک خاتون ش ۱: ۳۹۳)

(۵) خسرو شعری دارد که مطلع آن چنین است:

عاشق سوخته دل زنده به جان دگر است از جهانش چه خبر کو به جهان دگر است

(دهلوی ش ۲: ۱۲۹)

جهان از وزن و قافیه آن تأثیر پذیرفته و غزل زیر را سروده است:

هر که را نیست ز جانان خبری بی‌خبر است غیر یاد غم آن دوست همه در دسر است

(جهان ملک خاتون ش ۱: ۴۷)

(۶) خسرو گفته:

در ره بماند این شوخ تر کان شوخ مهمان کی رسد لب تشنه را خون در جگر تا آب حیوان کی رسد

(دهلوی ش ۲: ۲۹۴)

و جهان در همین زمینه شعری سروده است:

گل رفت حالی از چمن تا خود به بستان کی رسد وز شوق رویش ناله و زاری به دستان کی رسد
(جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۱۹۰)

(۷) خسرو گفته:

خم تهی گشت و هنوزم جان ز می سیراب نیست خون تو هست آخر ای دل گر شراب ناب نیست

(دهلوی ش ۲: ۱۹۴)

و جهان متأثر از وی سروده:

بی رخ عاشق فریبت در دو چشم خواب نیست بحر عشقت را نمی دانم چرا پایاب نیست
(جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۱۰۶)

(۸) خسرو گفته:

باز جانا آتش شوق تو در جان جا گرفت خانه صبر از غمت سر تا به سر سودا گرفت
و جهان در زمین غزل خسرو گفته:
تا دل سرگشته‌ام چون زلف او سودا گرفت از بر من رفت جان و در دو زلفش جا گرفت
(جهان‌ملک خاتون ش ۱: ۱۳۸)

با تمام این اوصاف، ممکن است این موضوع در ذهن مخاطب ایجاد شود که احتمال دارد در عین تأثیرپذیری جهان از اشعار خسرو، ۱۵ شعر یکسان، حاصل دخالت کاتبان باشد؛ چنان که نگارنده در ابتدا، برخی اشعار یکسان خسرو و شعرای دیگر چون سلمان را نتیجه تقلب کاتبان خوانده است. در پاسخ باید گفت تغییرات ایجادشده در اشعار یکسان خسرو و جهان، از حوصله کاتبان و ناسخان که شغلشان کتابت بوده، خارج است؛ این تغییرات، حاصل دقت و موشکافی‌ای است که انگیزه بیشتری نسبت به رفع حوائج مادی کاتبان می‌طلبد و احتمال ایجاد این تغییرات از جانب شاعر، بیشتر است. در واقع تغییرات بیش از آنکه کاتبانه باشد، شاعرانه است؛ مثلاً:

- در شعر ش ۲، از آنجا که تغییر تخلص خسرو در مقطع، به ضرورت وزن ممکن نبوده، بیت پیش از آن نیز دستخوش تغییر گشته است:

تا غم هجرش به پایان کی رسد	خسرو: بر در وصلند خلقی منتظر
منتظر تا نوبت جان کی رسد	دل فدای درد کرده خسروش
تا غم هجرش به پایان کی رسد	جهان: بر در وصلش جهانی منتظر
منتظر تا نوبت جان کی رسد	دل فدای عشق او کردم کنون

- گاهی این تغییرات، سطح شعر خسرو را تنزل داده است؛ مقایسه بیت خسرو و جهان، قدرت شاعری خسرو و تقلید خام‌دستانه جهان را نشان می‌دهد. چنان که در غزل ش ۵، ابیات به‌مانند نمونه‌های دیگر رونویسی شده است؛ اما بیت مقطع، با تغییرات حاصل از گرداندن تخلص از جانب جهان و نیز تعویض مصراع بعدی، با ابیات دیگر همخوانی ندارد و اُفت آن در مقایسه با ابیات دیگر واضح و فصاحت آن مخدوش است:

خسرو:

گرچه جان خسرو از مهر رخس از دست رفت تخم عشقش بر زمین دل همی کارم هنوز
جهان:

گرچه در مهرش مرا جان و جهان از دست رفت همچنان رحمت امیدست از جهاندارم هنوز!
- غزل ۶بیتی خسرو (ش ۷) با افزودن ۳ بیت دیگر و نیز با تغییر مقطع و تخلص، به نام جهان‌ملک خاتون ثبت شده است. ابیات اضافه‌شده، حال و هوای ابیات دیگر از غزل خسرو را ندارد و نمی‌توانیم این افزایش ابیات را به کاتب نسبت دهیم؛ زیرا این نوع از تغییر نیز جز زحمت و مرارت، حاصلی برای کاتب یا ناسخ نخواهد داشت. دو بیت از این ۳ بیت، با تکرار «اگر» آغاز می‌شوند و از بلاغت ابیات دیگر این غزل خسرو، خبری نیست و تفاوت سطح شاعری دو شاعر را نشان می‌دهد.
- در غزلیات ش ۱۰ و ۱۱، همراهی تخلص جهان و خسرو عجیب است؛ چنان که به نظر می‌رسد، جهان در انتخاب آن دسته از غزلیات خسرو که در مقطع آن و همراه با تخلص خسرو، واژه «جهان» به کار رفته، اشتیاق داشته است:

چنان که خسرو در مقطع غزل ش ۱۰ گفته:

غم بر احوال جهان تا کی خوری خسروا گر مر تو را غمخوار نیست
و جهان با حذف تخلص خسرو گفته:

غم بر احوال جهان تا کی خوری
یا در غزل ش ۱۱، خسرو گفته:

جان و جهان داد خسرو و غمت اندوخت
و جهان، آن را چنین تغییر داده و گفته:

جان و جهان دادم و غمت بخریدم
بهرتر از اینم نبود هیچ هدایت

نیز در غزل ش ۱۳، جهان، بیت مقطع را که حاوی تخلص دوران آغازین شاعری خسرو یعنی «سلطانی» بوده، حذف کرده است و با عنایت به اینکه در بیت چهارم خسرو، واژه جهان به کار رفته، بی آنکه جهان‌ملک زحمت تراشیدن تخلص بکشد، بیت موردنظر از خسرو، برای وی حکم تخلص پیدا کرده است:

زنهار که دل در فلک و دهر نبندی
کایشان چو جهان یک سره بی مهر و وفایند

۲) اصالت دست‌نویس ش ۷۶۳ پاریس

زمانی به عامدانه ثبت شدن اشعار خسرو در دیوان جهان از جانب خود این شاعر پی خواهیم برد که از اصالت دست‌نویس اصلی دیوان وی آگاه باشیم. از میان ۱۵ غزل، ۸ شعر، در متن چاپی‌ای که بر اساس نسخه ش ۷۶۳ پاریس تدوین شده، موجود است؛ غزلیات دیگر، در نسخه ش ۱۱۰۲ پاریس و مقاله بشری (۱۳۸۸: ۷۴۶ و ۷۵۸) به نام جهان‌ملک آمده است.

اغلب اشعار مشترک، بر اساس دست‌نویس ش ۷۶۳ پاریس در دیوان جهان به ثبت رسیده است؛ ادگار بلوشه فهرست‌نویسی که این نسخه را معرفی کرده، اولین کسی است، پیش‌تر از نفیسی و ماسه، که درباره این متن اطلاعات ذی‌قیمتی ارائه داده است؛ به زعم وی، این دست‌نویس، نسخه اصلی دیوان است و ماسه نیز، با توجه به کیفیت عالی تذهیب و لوکس بودن آن، استنساخ آن را متعلق به روزگار حیات جهان‌ملک خاتون دانسته و گفته به احتمال زیاد نسخه‌ای است که در بارگاه سلطان احمد جلایر کتابت و به او که کتاب‌دوست بوده تقدیم شده است (رک نفیسی، ۱۳۵۱: ۱۴۳؛ بروکشا، ۱۳۹۸: ۱۲۸). کتیبه‌ای که در صفحات آغازین نسخه مشاهده می‌شود نیز نشان‌دهنده این موضوع است که جهان دیوان خویش را به سلطان احمد جلایر تقدیم کرده است.

در عنوان اشعار دست‌نویس ش ۷۶۳ پاریس نیز جملاتی دعایی چون «دامت بقائها» که دلالت بر زنده بودن جهان دارد مشاهده می‌شود. لذا، این نسخه یا در دوران زندگی شاعر نوشته شده است

یا از روی نسخه اصل کتابت گشته است که در هر صورت محتویات آن اصیل و عقلاً مورد تأیید شاعر و چکیده از قلم وی بوده است.

با عنایت به اصالت نسخه پاریس و تعلق آن به روزگار حیات جهان‌ملک خاتون، در اینکه جهان اشعار این مجموعه، از جمله مشترکات با خسرو دهلوی را به شکلی آگاهانه به خود بسته و در جمع‌آوری اشعار موجود در این دست‌نویس کاملاً دخیل بوده نمی‌توان شک و شبهه‌ای وارد نمود.

نتیجه‌گیری

با عنایت به نکاتی که مطرح شد، کاستی‌هایی از قبیل ثبت رباعیات سعدی و عدم ثبت قطعات «جهان» در دیوان این شاعر، تصحیح دیوان چاپی وی را بی‌اعتبار خواهد کرد. نیز عدم بهره‌مندی از نسخه ش ۱۱۰۲ پاریس که پیش از آغاز تصحیح مصححان، معرفی شده بود، باعث شده که بیش از ۱۱۰ شعر در قالب غزل و رباعی از قلم افتاده و در دیوان چاپی این شاعر جای نداشته باشد. همچنین، اعتقاد نگارنده بر این است که با بررسی و مقایسه اشعار مشترکی که به خسرو و جهان منسوب است، با ذکر دلایلی که شرح آن در متن مقاله گذشت، انتحال جهان‌ملک خاتون از اشعار خسرو دهلوی، دور از ذهن نخواهد بود.

پینوشت‌ها:

۱- نسخ دست‌نویس دیگری نیز از جهان شناسایی شده که در دسترس نگارنده و مصححان دیوان نبوده است:

دیوان جهان‌ملک خاتون، تاریخ کتابت ۸۴۰ق، ۳۷۵ برگ، ترکیه، شهر استنبول، کتابخانه خزینه (ضمن متحف طویقابو)، به شماره ۸۶۷.

دیوان جهان‌ملک خاتون، ۴۵ برگ، قبرس، لفقوشه، جامع سلیمانیه، به شماره ۳۳۳.

منابع

۱. بروکشا، دومینیک، (۱۳۹۸)، «جهان‌ملک خاتون»، ترجمه مصطفی حسینی، کاروان، س ۵، ش ۲۰، صص ۱۳۴-۱۲۴.
۲. بشری، جواد، (۱۳۸۸)، «اشعاری نویافته از جهان‌ملک خاتون»، پیام بهارستان، د ۲، س ۱، ش ۳، صص ۷۶۶-۷۴۰.
۳. جاجرمی، محمد، (۱۳۳۷)، مونس‌الحرار فی دقائق‌الاشعار، به اهتمام میر صالح طیبی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۴. جهان‌ملک خاتون ش ۱، (۱۳۷۴)، دیوان، به تصحیح پوراندخت کاشانی‌راد و کامل احمدنژاد. تهران: زوار.
۵. دولت‌آبادی، پروین، (۱۳۷۱)، «جهان‌ملک خاتون، شاعر همزمان حافظ»، مجموعه مقالات سخن‌اهل دل، گردآورده کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
۶. دهلوی، امیر خسرو ش ۱، (۱۳۶۱)، دیوان، به کوشش م. درویش، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: جاویدان.
۷. ش ۲، (۱۳۸۰)، دیوان، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، با مقدمه محمد روشن، تهران: نگاه.
۸. ش ۳، (۱۹۷۲)، دیوان ج ۱، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، تجدید نظر: سید وزیرالحسن عابدی، عالیه: لاهور.
۹. ش ۳، (۱۹۷۲)، دیوان ج ۲، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، تجدید نظر: سید وزیرالحسن عابدی، عالیه: لاهور.
۱۰. ش ۳، (۱۹۷۲)، دیوان ج ۳، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، تجدید نظر: سید وزیرالحسن عابدی، عالیه: لاهور.
۱۱. ش ۳، (۱۹۷۲)، دیوان ج ۴، تصحیح اقبال صلاح‌الدین، تجدید نظر: سید وزیرالحسن عابدی، عالیه: لاهور.
۱۲. ریشارد، فرانسیس، (۱۳۷۲)، «جنگ شعر؛ نسخه خطی مصور ناشناخته‌ای به امضای بهزاد در کتاب‌خانه ملی پاریس»، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ش ۲۰، صص ۴۵-۶۳.
۱۳. سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۵)، دیوان، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: زوار.
۱۴. شریفی صحی، محسن و فاضلی، محمد، (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیرپذیری و سرقات ادبی جلال عضد یزدی از شعر خسرو دهلوی»، نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه شبه‌قاره، ش ۴، صص ۶۳-۸۶.
۱۵. شاه‌مرادی، امید، یاحقی، محمدجعفر و نوشاهی، عارف، (۱۳۹۹)، «ابیات نویافته شاعران در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف و اشاره‌ای به اهمیت این اثر»، شعر پژوهی، دوره ۱۲، ش ۲، صص ۱۴۱-۱۷۰.

۱۶. منصوری، مجید، (۱۳۹۵)، «بیست و هفت غزل از دیگر شاعران در دیوان امیرخسرو دهلوی»، شبه‌قاره (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۶، صص ۲۵-۴۹.
۱۷. نطنزی، معین‌الدین، (۱۳۸۳)، منتخب‌التواریخ، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
۱۸. نفیسی، پریمرز، (۱۳۵۱)، «دیوان و شرح حال شاعره قرن هفتم، جهان‌ملک‌خاتون انجوی»، مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره تحقیقات ایرانی ج ۱، به کوشش حمید زرین‌کوب، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، «حافظ و جهان‌ملک‌خاتون»، مجموعه مقالات درباره حافظ، گردآورده علی‌اکبر خداپرست، انتشارات هنر و فرهنگ.
- نسخ خطی:
۲۰. جنگ دست‌نویس، کتابخانه پاریس، ش ۱۴۲۵، سده نهم.
۲۱. جنگ دست‌نویس، کتابخانه مهدوی، ش ۵۸۹، مورخ ۸۲۱ق
۲۲. جهان‌ملک‌خاتون، ش ۲، دیوان، کتابخانه پاریس، ش ۷۶۳.
۲۳. ش ۳، دیوان، کتابخانه پاریس، ش ۱۱۰۲.
۲۴. دهلوی، امیر خسرو، ش ۴. دیوان، کتابخانه دانشگاه دولتی مسکو، ش ۱۶۸، مورخ ۹۱۲ق، به کتابت علی بن محمد هروی.
۲۵. ش ۵. دیوان، کتابخانه اسعد افندی، ش ۲۶۲۹، مورخ ۸۹۵ق، به کتابت احمد غیزانی.
۲۶. ش ۶. ش ۴۵۹۳، مورخ ۸۹۷ق، به تحریر درویش علی بن سعدالدین شیرازی الحافظ.
۲۷. ش ۷. دیوان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۶۵۳، نسخه سده نهم و دهم.
۲۸. ش ۸. دیوان، کتابخانه ملی، ش ۱۰۸۷۷۱۳، مورخ ۸۸۰ق ملی، به کتابت غیاث‌الدین بن ولی القاسمی.
۲۹. ش ۹. دیوان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۸۴۹۶، نسخه سده هشتم.
۳۰. ش ۱۰. کتابخانه میشیگان امریکا، ش ۳۱۳ Isl. Ms، مورخ ۸۹۴ق.
۳۱.، دیوان، کتابخانه مجلس، ش ۲۵۶۹، مورخ ۷۲۱ق.
۳۲.، دیوان، کتابخانه چستریتی، ش ۷۶۲۵، نسخه مورخ ۷۳۴ق، به کتابت شمس‌الدین علی.

۳۳. سفینه انیس العارفين و مونس الموحدين، گردآورده تاج‌الدین علی بن احمد تبریزی، کتابخانه اسعد افندی، ش ۳۴۳۲، کتابت در سال ۸۲۷ق.
۳۴. سلمان ساوجی، دیوان، کتابخانه ملی تبریز، نسخه ش ۳۶۷۶، اواخر قرن هشتم.
۳۵. سلمان ساوجی، دیوان، کتابخانه مرعشی، نسخه ش ۱۱۸۴۲، ۸۰۴ق.
۳۶. سلمان ساوجی، دیوان، کتابخانه مجلس، نسخه ش ۲۵۸۷، ۷۹۴ق.
۳۷. سلمان ساوجی، دیوان، کتابخانه رضوی، نسخه ش ۴۶۶۶، ۸۲۶ق، به خط محمد بن ابراهیم مشتهر به جوانمرد شیرازی.
۳۸. سیف جام هروی، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، کتابخانه بریتانیا، ش ۱۱۰OR، اوایل سده نهم.